

## استاد نوغانی

## این کهنه کشتزار

## دنیا ممدوح یا مذموم

سوتیتر:

☑ نوع واکنش ماست که دنیا را مذموم یا ممدوح می‌کند و این مدح و ذم نسبت به علم و واکنش ماست نه حقیقت دنیا، که حقیقت دنیا خیر محض است.

☑ خدای دانا و حکیم شر نیافریده چون افعال شر یا از روی جهل است و یا از روی عجز و ناتوانی و یا نیاز است و خدای دانا و قادر و بی نیاز انگیزه‌ای برای افعال شر در او نیست پس آن چه انجام می‌دهد و یا انجام داده خیر محض است.

☑ دنیا جایگاه صدق و راستیست برای کسی که با آن به راستی رفتار کند و خانه‌ی تندرستی و سلامتی است برای کسی که آن را درک کند و سرای بی نیاز است برای کسی که از آن توشه بگیرد و محلّ پند است برای کسی که از آن پند آموزد.

☑ پس دنیا کسی را فریب نداده و جدایی و موقّتی بودن خود را صادقانه بیان کرده و نابودی خود و اهلش را اعلام نموده است. «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَ...»

☑ عده‌ای که حقیقت دنیا را شناخته و باور نکرده و فریفته‌ی دنیا شدند دم مرگ و فردای قیامت که پرده‌های غرور و شهوت برطرف گردد و متوجّه خسران خود شوند، دنیا را مذمت می‌کنند.

## چکیده

ماهیت و حقیقت دنیا چیست و دنیا متصف به خوبی است یا بدی؟

در روایات و به خصوص در نهج‌البلاغه احادیث فراوانی داریم که در مذمت دنیا آمده است و سفارش به دوری و اجتناب از آن شده است. در برخی دیگر از روایات نیز در مدح دنیا مطالبی آمده است. این تضاد را چگونه می‌توان توضیح داد؟ پاسخ در شناخت درست حقیقت و ماهیت دنیاست، وقتی حقیقت آن شناخته شد علت مدح و ذم نیز معلوم می‌گردد.

ماهیت دنیا تغییر و دگرگونی و فناپذیری است و همین دگرگونی موجبات پند و عبرت و کمال انسانی را فراهم می‌آورد. اگر به این تغییرات به دیده‌ی عبرت نگریسته شود، دنیا پسندیده است و اگر به آن دل بسته شود با وجود فناپذیری ناپسند است. بنابراین نوع واکنش ماست که دنیا را مذموم یا ممدوح می‌کند و این مدح و ذم نسبت به علم و واکنش ماست نه حقیقت دنیا، که حقیقت دنیا خیر محض است.

در این شماره از زبان مولای متقیان حدیثی درباره‌ی حقیقت دنیا آمده است به همراه شرحی از درس استاد ارجمند خانم نوغانی.

امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱ می فرماید:

«أَيُّهَا الدَّامُ لِلدُّنْيَا الْمُغْتَرُّ بِغُرُورِهَا الْمَخْدُوعُ بِأَبَاطِيلِهَا أَ تَغْتَرُّ بِالدُّنْيَا ثُمَّ تَذُمَّهَا أَنْتَ الْمُتَجَرِّمُ عَلَيْهَا أَمْ هِيَ الْمُتَجَرِّمَةُ عَلَيْكَ؟ مَتَى اسْتَهْوَتْكَ أَمْ مَتَى غَرَّتْكَ؟ أَمْ بِمَصَارِعِ آبَائِكَ مِنَ الْبَلَى أَمْ بِمَضَاجِعِ أُمَّهَاتِكَ تَحْتَ الثَّرَى؟ كَمْ عَلَلَّتْ بِكَفِّكَ وَ كَمْ مَرَضَتْ بِبَيْدِكَ! تَبْتَغِي لَهُمُ الشِّفَاءَ وَ تَسْتَوْصِفُ لَهُمُ الْأَطِبَّاءَ، غَدَاةٌ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ دَوَاؤُكَ وَ لَا يُجْدِي عَلَيْهِمْ بُكَاءُكَ لَمْ يَنْفَعْ أَحَدَهُمْ إِشْفَاؤُكَ وَ لَمْ تُسَعِفْ فِيهِ بِطَلَبَتِكَ وَ لَمْ تَدْفَعْ عَنْهُ بِقُوَّتِكَ! وَ قَدْ مَثَلَتْ لَكَ بِهِ الدُّنْيَا نَفْسَكَ، وَ بِمَصْرَعِهِ مَصْرَعَكَ...»

شخصی خدمت حضرت رسید و دنیا را مذمت کرد، حضرت فرمود: ای نکوهش کننده و مذمت کننده‌ی دنیا، که تو خود به غرور دنیا گرفتار شده‌ای و فریفته‌ی باطل‌های آن هستی، خود فریفته‌ی دنیایی و آن را نکوهش می‌کنی؟ تو از جرم دنیا شکایت داری یا دنیا باید از جرم تو شکایت کند؟ کی دنیا تو را گول زده و فریب داده؟ آیا با گورهای پدرانت که ویران شده یا به قبور مادرانت در زیر خاک تو را فریب داده؟ چه بسا بیماران را با دست خود پرستاری نمودی و در کنار بستر آن‌ها مراقب بودی و درخواست شفای آنان را داشتی و از طبیبان دارو و دستور طلب کردی. در آن روزها کردار تو به حال آنان سودی نداشت و گریه و اندوه تو فایده‌ای به حالشان نکرد و کوشش‌های تو بی نتیجه ماند و تو قادر به دفاع و دفع گرفتاری از آنان نبودی. در موقعیتی دنیا خودش را با این وضع برای تو مجسم ساخت و عاقبت خود را به تو نمایاند و با مرگ آنان مرگ تو را به تو نشان داد.

هم‌چنین در نهج البلاغه اوصاف بسیاری درباره‌ی دنیا آمده است که ظاهراً دنیا را نکوهش نموده است. حال این سؤال مطرح است که اگر دنیا بد و شر و فریب دهنده است چرا خدا دنیا را با این خصوصیات خلق کرد در حالی که می‌دانیم خدای مهربان و حکیم کار بیهوده و باطل انجام نمی‌دهد و اصولاً شر نمی‌آفریند.

پاسخ: اولاً خدای دانا و حکیم شر نیافریده چون افعال شر یا از روی جهل است و یا از روی عجز و ناتوانی و یا نیاز است و خدای دانا و قادر و بی نیاز انگیزه‌ای برای افعال شر در او نیست پس آن چه انجام می‌دهد و یا انجام داده خیر محض است بنابراین خلقت دنیا و آوردن انسان در دنیا، تمامی خیر است و شر از ناحیه‌ی افعال انسان است و محبت دنیا و وابستگی به آن سبب شرآفرینی است و از این جهت مورد نکوهش قرار گرفته (نکوهش مسبب به سبب داده شده است).

مولا می‌فرماید: ای مذمت کننده‌ی دنیا، کی دنیا تو را فریب داده است؟ دنیا با گور پدران و قبور مادرانت حقیقت خود را به تو نشان داده است و تو به جای دل نبستن و توشه برداشتن از آن برای آخرت، فریب اعتباریات و اباطیل آن و زرق و برق زودگذر و پوچ آن را خوردی. تو نسبت به دنیا مجرمی و باید پاسخ‌گوی جرم خود باشی. آن همه امکاناتی که دنیا در اختیار تو قرار داد برای هدایت و تکامل تو بود از بعثت پیامبران و کتب آسمانی و عقل و فکر و اندیشه نعمت‌های مادی و معنوی همه را در اختیار تو نهاد تا بتوانی به نحو احسن از آن‌ها بهره‌برداری کنی و در مسیر هدایت و تکامل خود قرار دهی اما تو همه‌ی آن‌ها را از دست

دادی. آیا تو مجرمی و دنیا باید از تو شکایت کند یا دنیا مجرم است که آن همه نعمت‌ها را در اختیار تو قرار داد؟ دنیا تو را فریب نداده تو با خود دشمنی کردی و مغرور به دنیا شدی و خود را به دنیا فروختی و آخرت را از یاد بردی.

«إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا وَ دَارُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهَمَ عَنْهَا وَ دَارُ غِنًى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا وَ دَارُ مَوْعِظَةٍ لِمَنْ اتَّعَظَ بِهَا مَسْجِدُ أَحِبَّاءِ اللَّهِ وَ مُصَلًى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَ مَهْبِطُ وَحْيِ اللَّهِ وَ مَتَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ اِكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَ رِيحُوا فِيهَا الْجَنَّةَ فَمَنْ ذَا يَذْمُهَا وَ قَدْ أَذْنَتْ بَيْنَهَا وَ نَادَتْ بِفِرَاقِهَا وَ نَعَتْ نَفْسَهَا وَ أَهْلَهَا فَمَثَلَتْ لَهُمْ بِلَدَائِهَا الْبَلَاءَ وَ شَوَّقَتْهُمْ بِسُرُورِهَا إِلَى السُّرُورِ رَاحَتْ بِعَافِيَةٍ وَ ابْتَكَرَتْ بِفَجِيعَةٍ تَرْغِيباً وَ تَرْهِيباً وَ تَخْوِيفاً وَ تَحْذِيرًا فَذَمَّهَا رِجَالٌ غَدَاةَ النَّدَامَةِ وَ حَمِدَهَا آخَرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ذَكَّرَتْهُمْ الدُّنْيَا فَذَكَّرُوا وَ حَدَّثَتْهُمْ فَصَدَّقُوا وَ وَعَظَتْهُمْ فَاتَّعَظُوا»

دنیا جایگاه صدق و راستیست برای کسی که با آن به راستی رفتار کند و خانه‌ی تندرستی و سلامتی است برای کسی که آن را درک کند و سرای بی‌نیازیت برای کسی که از آن توشه بگیرد و محلّ پند است برای کسی که از آن پند آموزد. دنیا مسجد دوستان خداست و نمازگاه فرشتگان الهی؛ دنیا محلّ نزول وحی و تجارت‌خانه‌ی اولیاء الله است که در دنیا رحمت خدا را کسب کنند و بهشت را سود برند. چه کسی دنیا را سرزنش و نکوهش می‌کند در حالی که جدایی خود را صادقانه اعلام داشته و فراق خود را خبر داده و نابودی خود و اهلش را نشان داده؟ دنیا با نمونه‌ها و تمثیل‌هایی به اهلش نشان داد که چنین بلا و گرفتاری‌هایی درباره‌ی آن‌ها نیز امکان پذیر است و با شادمانی خود دل‌هایشان را به شادمانی متوجه ساخت. گاه در اول شب به سلامت گذشت و در صبحگاهان با مصیبتی جانکاه بازگشت تا به زندگی تشویق نماید و با مصیبت هشدار دهد. گاهی می‌ترساند و از غفلت بر حذر می‌دارد. به همین جهت در فردایی که دنیا با این اوصافش پایان پذیرد گروهی با پشیمانی و به خاطر سوء استفاده از فرصت زندگی آن را مذمت و نکوهش کنند و گروهی دیگر که به آن‌ها تذکر داد و آن‌ها متذکر شدند، آنان را پند داد و ایشان پذیرفتند. سرنوشت دیگران را نشانشان داد و تصدیق نمودند. دنیا را می‌ستایند و به صداقت و راستیش مدح می‌نمایند.

دنیا دار امتحان و دگرگونی و فراز و نشیب است. «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (ملک/۲) و با این تغییر و تحول انسان‌ها را از خواب غفلت بیدار می‌کند. اگر دنیا یکنواخت بود و همه اش رفاه و آسایش، رفاهش جاذبه نداشت، آسایشش بی‌معنا بود. چون هر صفتی در مقایسه با ضدّ خود جاذبه و ارزش دارد. دنیای یکنواخت خسته کننده و ملال آور است تا فقر نباشد بی‌نیازی مفهومی ندارد. تا غم نباشد شادی معنا ندارد. تا زندان نباشد آزادی ارزش ندارد. تا بیماری نباشد انسان نعمت سلامتی را درک نمی‌کند. پس همین دگرگونی‌های دنیا بانگ بیدارباشی است برای انسان‌ها تا از کنار نعمت‌های خدا بی‌توجه نگذرند و شکر مُنعم را به جا آورند. پس دگرگونی‌ها لازمه‌ی زندگی دنیاست و مولا از دید مثبت که هدف خلقت دنیاست نگاه کرده و با اوصاف حمیده توصیف نموده می‌فرماید: دنیا خانه‌ی صدق و راستی است برای کسی که تصدیقش نماید و باور کند که دنیا صادقانه حقیقت خود را که همان دگرگونی است به نمایش گزارده تا از آن درس عبرت بگیرد. دار عافیت است برای کسی که آن را بشناسد و به طور صحیح با آن برخورد کند اگر غمی به او می‌رسد جزع و فزع نکند و با صبر و استقامت با گرفتاری‌ها و

بلاها برخورد کند و اگر شادی و لذتی برایش فراهم شد او را به طغیان و سرکشی وا ندارد. اگر چنین باشد دار عافیت خواهد بود و الا اگر دنیا را درست نشناسد و با پیشآمدهای آن، عجولانه و خودسرانه برخورد کند سلامت و عافیت را از دست خواهد داد. دنیا خانه‌ی بی‌نیازی و ثروتمندی است برای کسی که بخواهد از آن توشه‌ی آخرت بگیرد. در این استفاده‌ی معنوی (توشه‌ی آخرت) هیچ محدودیتی نیست و در پرتو تقوا می‌تواند آن چه بخواهد برای آینده‌ی خود ذخیره کند. دنیا محلّ پند آموزیست. در هر شبانه روز و هر ساعت و لحظه‌ای که می‌گذرد و با فراز و نشیب‌های خود پند و موعظه‌ای دارد برای اهلش تا گذشت زمان را با گذشت عمر خود ببینند و درک کنند. دنیا مسجد احباء الله است و محل عبادت و راز و نیاز دوستان خداست. برای انسان چه جایگاهی از دنیا آماده‌تر و نزدیک‌تر برای رسیدن به قرب الی الله وجود دارد؟ پس چگونه دنیای به این خوبی را می‌توان مذمت کرد؟ دنیا جایگاه نزول وحی به انبیاء برای هدایت بشر است، دنیا تجارت خانه و محل کسب فضائل و کمال اولیا و بندگان خاص خداست. در این دنیاست که بندگان خدا به وسیله‌ی قرب به پروردگار مشمول الطاف و رحمت بی‌انتهای او می‌شوند و به بهشت و مقامات عالی آخرت می‌رسند. اگر دنیا نبود به این سود گران بها دسترسی نبود و این حقیقت دنیاست. پس دنیا کسی را فریب نداده و جدایی و موقتی بودن خود را صادقانه بیان کرده و نابودی خود و اهلش را اعلام نموده است. «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَ...» با نمونه‌ای از گرفتاری‌ها، بلا و گرفتاری آخرت را به تصویر کشیده و انسان را بر حذر داشته و با لذائذ و شادمانی‌ها، لذت‌های حقیقی بهشت را یادآور شده تا تشویق و ترغیب به آخرت نماید. از این روست عده‌ای که حقیقت دنیا را شناخته و باور نکرده و فریفته‌ی دنیا شدند دم مرگ و فردای قیامت که پرده‌های غرور و شهوت برطرف گردد و متوجه خسران خود شوند، دنیا را مذمت می‌کنند و بالعکس گروهی که دنیا را شناختند و به طور صحیح از آن استفاده نمودند از دنیا راضی‌اند و مدحش می‌کنند.